

# چرا تلویزیون، سریال خیابان خلوت کن ندارد؟

سال‌هاست برنامه‌سازان و کارشناسان رسانه از تاثیر عمیق سریال‌ها در ژانرهای گوناگون بر مخاطب آگاه هستند و این روزها در دنیا، هر شبکه تلویزیونی که به دنبال کسب اعتبار، وجهت، تاثیر گذاری و جذب مخاطب و درآمد است به سریال سازی و ساخت سریال‌های جذاب رو می آورد. این روزها سریال، به عنوان مدیومی حتی شاید پرطرفدار تر از سینما، جای خود را بین علاقه مندان خاص و مخاطبان عام باز کرده و تولید سریال‌های دیدنی از مهم ترین فعالیت‌های شبکه‌های معتبر جهانی است. در کشور ما هم سال‌هاست پخش و تماشای سریال‌های تلویزیونی، طرفداران بی شماری داشته و دارد و اصطلاح «خلوت شدن خیابان‌ها هنگام پخش یک سریال جذاب» از همین استقبال بی نظیر مخاطبان تلویزیون ایران، در دوره‌های مختلف و زمان پخش سریال‌های پرطرفدار می آید. سریال‌هایی که مدت‌هاست دیگر شیرینی دیدنشان از شبکه‌های مختلف سیما را نچشیده‌ایم و انگار بر نامه‌سازان ما بر عکس همه دنیا، عطای ساخت سریال‌های شیرین و دیدنی و جذاب را به لقایش بخشیده‌اند و ترجیح می دهند به فعالیت‌های کم در دسرتری مثل ساخت جُنگ‌ها و دورهمی‌های بی‌بو و خاصیت با حضور یک مجری و چند مهمان بپردازند. نتیجه هم این می‌شود که پاییز و زمستان‌های زیادی با شب‌های طولانی‌شان از پی هم می‌گذرند، بی آن که هیچ سریالی که الگو و الهام‌بخش خانواده‌ها باشد، در ذهن‌ها ثبت شود. بی‌رونتی این شب‌های تلویزیون مان و پخش دوباره و چندباره سریال‌های بی‌روح کره‌ای را بهانه‌ای قرار دادیم تا یادی کنیم از سال‌ها و سریال‌هایی که پای تلویزیون میخوبمان می‌کردند و طی یادداشت‌هایی، سعی کردیم تحلیل کنیم چرا ساخت این سریال‌ها در کشورمان کمرنگ شده است؟



علاوه بر سریال‌هایی که مرور می‌شود، مجموعه‌های آینه عبرت، شب دهم، امام علی (ع)، نرگس، مسافری از هند، مختارنامه، خط قرمز، روزگار جوانی، از ایشگاه زیبا، آژانس دوستی، کوچک جنگلی، خواب و بیدار، کار آگاه علوی، باغ گیلاس، کیما، هزار داستان، گرگ‌ها، او یک فرشته بود و مسافر، از دیگر سریال‌هایی بودند که در زمان پخش، حساسی پرطرفدار بودند و مردم برای شرویشان، لحظه شماری می‌کردند.

## مروری بر خاطر‌انگیزترین سریال‌های پر مخاطب دهه‌های اخیر تلویزیون ایران

**یک روایت تاریخی پر تب و تاب**

چه سریالی؟ چه سالی؟ سرداران ۱۳۶۲

با چه موضوعی؟ سریالی تاریخی بر اساس قیام سرداران خراسان به رهبری «شیخ حسن جوری» علیه قوم مغول که به ایران حمله کرده بود. کارگردان: محمدعلی نجفی

فرمول موفقیت: حضور عوامل درجه یک مثل امین تارخ، سوسن تسلیمی، علی نصیریان و معرفی یک چهره جوان؛ افسانه باگلان + قصه پر کشش + استفاده از جلوه های بصری جذاب مثل لباس و گریم و دکور فاخر

نمره خیابان خلوت کنی از ۱۰: ۸/۵

**یک کابوس و ماجراهای بعدش**

چه سریالی؟ چه سالی؟ افسانه سلطان و شبان ۱۳۶۳

با چه موضوعی؟ سلطان، خواب عجیبی می‌بیند که تعبیرش، تیر بلایی است که در تاریخ معینی به او اصابت خواهد کرد. پس خواب‌گزار و وزیر اعظم و سلطان بانو، راه‌حل این مشکل را جایگزین کردن شخص دیگری به جای سلطان می‌دانند تا خطر بگذرد...

کارگردان: داریوش فرهنگ

فرمول موفقیت: به تصویر کشیدن یک افسانه کهن و شیرین که در عین سادگی، جزئیات و پیام‌های عبرت‌آموزی داشت.

نمره خیابان خلوت کنی از ۱۰: ۸/۵

**التماس نکن!**

چه سریالی؟ چه سالی؟ روزی روزگاری ۱۳۷۱-۱۳۷۰

با چه موضوعی؟ داستان راهزن معروف و کاریزماتیک به نام «مرادیگ» که رفته رفته در طول داستان متحول و به فردی صالح تبدیل می‌شود. کارگردان: امرا... احمدجو

فرمول موفقیت: به تصویر کشیدن سبک زندگی جذاب عشایر + حضور قوی و خاطر‌انگیز بازیگران درجه یکی مثل: خسرو شکیبایی، محمود پاک‌نیت و ژاله علو + خلق تکیه کلام های ماندنی مثل «التماس نکن»

نمره خیابان خلوت کنی از ۱۰: ۹

**قتل و تعقیب و گریز**

چه سریالی؟ چه سالی؟ مزد ترس ۱۳۷۱

با چه موضوعی؟ سروان محمدی که مسئول پیگیری یک پرونده قتل فجیع شده و به تازگی به سرخ هابی هم برای پیدا کردن ردپای قاتل رسیده، ناگهان با جسد دخترش در صندوق عقب خودرواش مواجه می‌شود و در می‌یابد با آدم‌های مخوف و خطرناکی در افتاده و از پیگیری پرونده، منصرف می‌شود.

کارگردان: حمید تمجیدی

فرمول موفقیت: از نخستین سریال‌هایی که در آن تابوی شکست‌ناپذیری پلیس در مقابله با خلافکاران شکسته شد + جذابیت عبدالرضا اکبری در نقش سروان محمدی + قصه هیجان‌انگیز و پر کشش

نمره خیابان خلوت کنی از ۱۰: ۸/۵

**چادری در باد**

چه سریالی؟ چه سالی؟ در پناه تو ۱۳۷۴

با چه موضوعی؟ قصه زندگی چند دانشجوی جذاب هنر: مریم، محمد، رامین و پارسا که هر کدام دغدغه‌ها و ماجراهای هیجان‌انگیزی داشتند. کارگردان: حمید لبخنده

فرمول موفقیت: برای اولین بار در تلویزیون، تصویری شیک و جذاب از جوانان آن روزهای جامعه می‌دیدیم + پیرنگ سریال، یک مثلث عشقی بود + روایت‌گر دغدغه‌های نسل جوان و مهارت‌های حل مسئله برای جوانان و خانواده‌هایشان بود.

نمره خیابان خلوت کنی از ۱۰: ۹

**آذر، ناصر، اسدا... خان و دیگران...!**

چه سریالی؟ چه سالی؟ پدر سالار ۱۳۷۴

با چه موضوعی؟ قصه اسدا... خان، پدر سختگیر یک خانواده پرجمعیت که معتقد است همه پسرانش بعد از ازدواج هم، باید در خانه بزرگ او زندگی کنند و وقتی آذر، کوچک‌ترین عروسی‌تن به این قانون نمی‌دهد، اختلافات بالا می‌گیرد.

کارگردان: اکبر خواجویی

فرمول موفقیت: برای نخستین بار، تعارض بین عقاید سنتی بزرگ‌ترهای جامعه ایران با عقاید مدرن و به روز جوانان، به تصویر کشیده و برای قضاوت، پیش‌روی مخاطب قرار داده می‌شد.

نمره خیابان خلوت کنی از ۱۰: ۸/۵

**مظلومیت خانم‌بزرگ و خانم کوچیک**

چه سریالی؟ چه سالی؟ پس از باران ۱۳۷۹

با چه موضوعی؟ زن اول ارباب یک ده در زمان رضاخان، که باردار نمی‌شود، خودش آستین بالا می‌زند و برای ارباب، دختری از رعیت را به عنوان همسر دوم می‌گیرد. تصمیمی که با ماجراهای تلخ و شیرینی همراه می‌شود.

کارگردان: سعید سلطانی

فرمول موفقیت: پس از باران، مخاطب را تشنه رمزگشایی از مرگ مرمرز زوجی می‌کرد که به گذشته دور ربط دارد. فضای روستایی و لوکیشن متفاوت هم در این موفقیت بی‌تاثیر نبود.

نمره خیابان خلوت کنی از ۱۰: ۸

## صنعت سریال سازی دنیا و ستایش سازی ما!

اسم شخصیت‌ها ورد زبان‌ها شود و تکیه کلام آدم‌های سریال بین مردم رایج شود. این روزها صنعت سریال سازی جهان در حال رقابت جدی با دنیای سینماست. از اسپیلیبرگ و دیوید فینچر، تا جی جی آبرامز و جاناتان نولان ... بسیاری از چهره های قدر صنعت سرگرمی فهمیده اند با سریال می‌شود بیشتر و بهتر دنیا را تحت تاثیر قرار داد. به موازات پیشرفت فنی سینما در ابعادی مثل جلوه‌های ویژه، سریال سازی دنیا دارد در طرح داستان‌های تازه، در گریز کردن مخاطب با مضامین پیچیده و دنیاهای تازه رشد می‌کند. اما داستان سریال‌ها می‌کمان‌ها را جنبه کیفی نمودی ندارد و به جای سریال‌های برادر سر ارث و چیزهای این چنینی است. هر چه چهره‌های مطرح دنیای سینما از پرده تفره ای به سمت قاب جادویی می‌آیند، در عوض تلویزیون‌ها شده محل دفع چهره‌های توانمند. ضعف داستان، نبود تیم‌های حرفه‌ای، عواملی که تکراری و فاقد جذابیت هستند و دلایل بسیار دیگری باعث شده تلویزیون پر شود از سریال‌های خنثی و باری به هر جهت که فقط آنتن پر کن هستند. در همین زمانه که فضای مجازی مخاطب همه رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب را جذب خودش کرده؛ مردم دوشنبه به دوشنبه پول دادند و دو فصل سریال «شهرزاد» را تماشا کردند. حتی افت داستان و کشدار شدنش در فصل دوم هم باعث نشد سریال زمین بخورد و رفت برای فصل سوم. اما در این شرایط شاهد این هستیم اوج خلاقیت برنامه‌سازان تلویزیون این است که چون خندوانه محبوب شده، به تقلید از آن برنامه استندآپ کمدی بسازند. رشد کمی تلویزیون از جنبه کیفی نمودی ندارد و به جای سریال‌های جذاب باید جنگ‌های بی‌مزه‌ای را تماشا کنیم که در آن یک مجری با مهمان برنامه می‌گوید و می‌خندد و در نهایت یک خواننده هم پلی بک اجرا می‌کند. روزگاری در دهه شصت با آن شرایط اقتصادی کشور، «هزار داستان»، «کوچک جنگلی»، «سربداران» و «گرگ‌ها» را دیدیم. اما حالا آگهی از سر و کله تلویزیون می‌ریزد و شبکه‌ها ده‌ها برابر شده‌اند اما حتی هزینه‌درستی برای گریم بازیگر نقش «ستایش» نمی‌شود و با کمی بود و یک عینک، بازیگر ۳۰ سال پیر می‌شود و انتظار داریم مخاطب میخکوب شود. هرچند شاید مدیران تلویزیون هم دل پر دردی در باره مسائل مالی داشته باشند که نمی‌دانیم.

**سید مصطفی صابری** - صدا و سیما و به طور خاص تلویزیون کشورمان بدجوری با بحران مخاطب مواجه است؛ هر چند مراکز نظرسنجی وابسته به این رسانه گهگاهی آمارهایی منتشر می‌کنند مبنی بر این که ۹۰ درصد مخاطبان به طور خاص از فلان سریال و بهمان برنامه، راضی بوده‌اند اما همه ما خوب می‌دانیم صداوسیما دیگر انتخاب اول ما برای سرگرمی و خیلی چیزهای دیگر نیست. خب، بخشی از ماجرا برای رادیو لااقل قابل درک است. اقتضای این روزها این است که فقط مشاغل خاص و در شرایط ویژه‌ای کماکان مخاطب رادیو باشند. هر چند تا همین چند سال قبل هم که فضای مجازی بود، فیلم و سریال خارجی بود و خود تلویزیون هم نسبتاً در اوج بود، برنامه‌های رادیو جوان مخاطب پسند بود و ذکر خیرش در مدرسه، دانشگاه و محل کار و جمع‌های خانوادگی می‌شد. خلاصه اگر بریزش جدی مخاطب را برای رادیو اقتضای زمان حال بدانیم، بازهم شرایط تلویزیون چندان قابل درک نیست و بررسی ویژه‌تری می‌طلبد. اجازه بدهید مقداری موضوع را محدود کنیم و فعلاً از بحران جذب مخاطب تلویزیون برای برنامه‌های خبری، فرهنگی، مستند، علمی، آموزشی و... فاکتور بگیریم و توجه ویژه‌ای روی حوزه سریال سازی داشته باشیم. زمانی بود که برای یک سریال کلم خیابان‌ها خلوت می‌شد. سریال‌هایی مثل «همسران» و «خانه‌سبز» فقط باعث سرگرمی نمی‌شدند بلکه به طور جدی زندگی مخاطب خود را تحت تاثیر قرار می‌دادند. اما حالا که شبکه‌های تلویزیونی بیشتر شده مدام شاهد این هستیم که مردم به آی فیلم مراجعه می‌کنند تا تکرار «ماجراهای خانه‌ما»، «متهم گریخت»، «من یک مستاجر» و... را ببینند. کمتر سریالی است که مردم راجع به آن حرف بزنند و ساعت رفت و آمد، مهمانی و گشت و گذارشان را با پخش سریال هماهنگ کنند. البته بخشی از ماجرا قابل درک است؛ به هر حال سریال‌ها چنک‌باز دارند، سریال را در اینترنت هم می‌توان دید و چند ترفند دیگر. اما خیابان خلوت کن بودن یک سریال پیشکش، آخرین سریال پر مخاطب تلویزیون ما چه بود؟ منظورم سریال کره‌ای نیست. تولید وطن را عرض می‌کنم. به زحمت می‌شود «کیما» یا «ستایش» را پر مخاطب دانست. پر مخاطب، به معنی سریالی که همه طبقات جامعه و همه نسل‌ها را جذب خودش کند،

فیلم نامه نویس «همسران» و «خانه سبز»، از دلایل ساخته نشدن سریال‌های خیابان خلوت کن می‌گوید

## سریال‌ها به جای مردم با سلیقه مدیران تلویزیون ساخته می‌شود

اضافه می‌کنند: «شاید بتوان با این روش، موقت رفع گرسنگی کنیم ولی به هر حال جامعه خوراک فرهنگی می‌خواهد و اگر تامین نشود مجبوریم دایم هزینه اضافه کنیم تا اشتباه اولیه جبران شود. متأسفانه به‌دلیل شرایط نادرستی که سینماگران، نویسندگان و مدیران و حتی محصولات فرهنگی آمدنش سهیم هستند، فردی مثل آقای «داوود میرپاقری» بعد از ساخت سریال «امام علی(ع)» به ساخت سریالی دم دستی مثل «شاهگوش» روی می‌آورد. یا مثلاً با دقت بر آثار اولیه «مهران مدیری» متوجه می‌شویم دغدغه اجتماعی و آموزشی داشته اما به خاطر فشار سلیقه مدیران تلویزیون، عطای کار فرهنگی را به لقایش بخشیده است. همه هنرمندان علاقه دارند اثری باعث شده فقط تعداد تولیدات سریالی بیشتر شود و کیفیتشان افت کند. همین موضوع هم باعث می‌شود بیشتر سریال‌ها یک‌بار پخش باشند و جذابیتی برای مخاطب نداشته باشند. هروقت هم احساس شود که مخاطب تلویزیون از دست رفته، یک سریال قدیمی مثل مجموعه «خانه‌ما» را که به گفته مسئولان شبکه جام‌جم، ۱۴ بار پخش شده و به ۹ زبان هم ترجمه شده است، بازپخش می‌کنند! راستین با انتقاد از این که دیگر خبری از حرفه‌ای‌های سریال سازی مثل فرهاد توحیدی، کامیوزیا پرتوی و پیمان قاسمخانی در رسانه ملی نیست، ادامه می‌دهد: «به جای استانداردها و حرفه‌ای‌های نویسندگی و کارگردانی، افرادی مشغول به کارند که تنها مورد تایید مدیران فعلی رسانه ملی هستند. متأسفانه پیش‌بینی می‌شود در آینده نزدیک، تعداد مخاطبان تلویزیون کم‌کم از تعداد دنبال‌کنندگان یک آدم عادی در اینستاگرام هم کمتر شود»



**مehdi ساعدی** - «شادمهر راستین»، نویسنده مجموعه‌های به اصطلاح خیابان خلوت کنی چون «خانه‌ما»، «همسران» و «خانه سبز» درباره دلایل ساخته نشدن سریال‌های جذاب، می‌گوید: «با وجود سریال‌های ضعیف سال‌های اخیر صداوسیما، دیگر صفت «خیابان خلوت‌کن» معنی ندارد. اصلی‌ترین اتفاقی که پیش از ساختن سریال‌های جذاب و موفق می‌افتد، اهمیت دادن به نیاز مخاطب است. یعنی عده‌ای کارشناس و متخصص، با مطالعه نیازهای اجتماعی و فرهنگی مردم، سریالی سفارش می‌دهند که علاوه بر ایجاد سرگرمی، به نیاز مخاطبان هم پاسخ دهد. مطالعه و پژوهش در افزایش مخاطب تلویزیون موثر است ولی متأسفانه در کشور ما به این بخش توجه نمی‌شود و این روزها برای تامین بودجه و خوشایند عده‌ای، سریال‌هایی ساخته می‌شود که مخاطب ندارد، در حالی که تلویزیون ما، رسانه ملی است و برنامه‌هایش با مالیات مردم ساخته می‌شود، باید برای مردم جذاب باشد و به رفع نیازهایشان کمک کند. در سریال‌ها جدای از سرگرم کردن، باید مسائل اجتماعی مورد نقد قرار بگیرد و به جوان‌ها آموزش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی داده شود؛ این که چطور در برابر مشکلات زندگی محکم و رفتار مسئولانه داشته باشند. امروزه، سریال‌های تلویزیون بر اساس سلیقه مدیران صداوسیما ساخته می‌شوند و تولیدکنندگان و سازندگان هم به درستی برای ساختن سریال وقت نمی‌گذارند و با «شخصی‌نگری»، طبق عقاید خودشان فیلم می‌سازند.» راستین با بیان این که وقتی خوراک خوب و مناسب بصری، آموزشی، تربیتی و سرگرم‌کننده‌ای نداشته باشیم، از نتایجی مثل مجری سرشناس در جنگ‌های شبانه برای سیر کردن مخاطب استفاده می‌کنیم،